

پیام به کنگره فوق‌العاده سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرمی!

برگزاری کنگره سازمان را به شما تبریک می‌گوییم و آرزوی نشست‌ی پربار برایتان داریم.

کنگره شما در حالی برگزار می‌شود که کشور و منطقه ما در شرایط بحرانی و حساسی بسر می‌برند.

منطقه خاورمیانه و خلیج فارس در نتیجه سیاست‌های محافل جنگ‌طلب در آمریکا و انگلیس و اسراییل از یکسو و حکومت‌هایی نظیر جمهوری اسلامی ایران، رژیم صدام حسین و سازمان‌های بنیادگرایی همچون حماس از دیگر سو در ورطه بحران فرورفته است. جنگ‌طلبان آمریکایی و انگلیسی با تکیه بر قدرت عظیم نظامی در تلاش‌اند تا نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد را به شکل دلخواه خود درآورند، بگونه‌ای که در این نظام سروری با گروه‌های قدرتمند آمریکایی-انگلیسی باشد. این محافل نشان داده‌اند که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی-اقتصادی خود حاضرند خواسته میلیون‌ها انسان صلحدوست را زیر پا گذارند، سرمایه‌های مالی و جانی هنگفتی را خرج ماشین جنگی خود کنند، سازمان ملل متحد را بی‌اعتبار سازند و به هیچ نظم و قانون و نهاد بین‌المللی وقعی نهند.

از آنجا که منطقه «خاورمیانه نوین» - شامل خاورمیانه کهن بعلاوه افغانستان، آسیای میانه و قفقاز - بخاطر موقعیت استراتژیک جغرافیایی و منابع غنی انرژی، اهمیت راهبردی درجه اول دارد، کشورهای این منطقه شاهد جدال شدید میان محافل آمریکایی-انگلیسی با رقیبان‌شان بر سر تقسیم مجدد و گسترش حوزه نفوذ خویش‌اند. اشغال نظامی افغانستان و عراق نشان می‌دهد که خط و نشان کشیدن‌های محافل آمریکایی بر ضد ایران نه صرفاً هیاهو، بلکه شاید بخش اصلی سیاست ایجاد نظم نوین نولیبرالی منطقه‌ای باشد که رییس‌جمهور آمریکا پس از تصرف عراق اعلام نمود. ازینرو امنیت ملی ایران با وضعیت شکننده‌ای روبرو است.

جناح طالبانی جمهوری اسلامی و بویژه محفل‌های مرموزی همچون برادران لاریجانی - که برادران رشیدیان را در دوره پهلوی بیاد می‌آورند- و باندهای مافیایی نظیر خاندان رفسنجانی، مدام به تحریکات ضدآمریکایی و ایجاد تنش با دیگر کشورها و نهادهایی چون آژانس انرژی اتمی و جو خشونت و سرکوب در داخل کشور مشغول‌اند و بدین سان بهانه‌های لازم را در اختیار محفل‌های جنگ‌طلب آمریکایی و انگلیسی قرار می‌دهند. از سوی دیگر فساد فراگیر و انحطاط اخلاقی حکومتگران که با چپاول ثروت‌های ملی همراه است و شکاف بین ثروتمندان و اکثریت مردم را ژرفتر می‌سازد، به پریشانی و نابسامانی اوضاع دامن می‌زند. شکست اصلاحات حکومتی نیز بر میزان آسیب‌پذیری امنیت ملی ما افزوده است. این شکست نتیجه مقاومت و کارشکنی‌های باندهای مافیایی و جناح طالبانی در برابر اصلاحات حکومتی از یکسو و بی‌برنامگی، ناپیگیری، و هراس اصلاح‌طلبان حکومتی از دگرگونی‌های بنیادی و بویژه بی‌ارادگی و فرصت‌سوزی آقای محمد خاتمی از دیگر سو و نیز سازمان نیافتگی مردم ایران و نبود نهادهای سیاسی و اجتماعی است. شکست اصلاحات حکومتی که نشانگر اصلاح ناپذیری حکومت دینی است و نادیده گرفتن خواست‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم از سوی حکومتیان به اوجگیری خیزش‌ها و مقاومت‌های مردمی دامن زده است. ازینرو برغم مرگ اصلاحات از بالا خواست دگرگونی حتی بیش از گذشته وجود دارد؛ خواستی که در جنبش‌های اجتماعی زنان، جوانان، دانشجویان و زحمتکشان ایرانی به چشم می‌خورد. اعتراض‌ها و تظاهرات چند روزه جوانان و دانشجویان در تیر ماه امسال که سراسر ایران را فراگرفت، نشان بارز و آشکار وجود این جنبش‌ها و ژرفای آن است. این خواست‌ها بیانگر نوعی آگاهی فردی و اجتماعی است؛ آگاهی‌ای که یکی از شرط‌های مهم رهایی مردم ایران از استبداد پیشینه‌مند تاریخی و اجتماعی است.

در برابر این جنبش دگرگونسازی و در قبال وضعیت حساس کنونی، مسئولیت مهمی بر دوش چپ دمکراتیک ایران است. آنچه نیروهای دمکرات و مترقی را از دین‌سالاران واپس‌گرا متمایز می‌سازد، درونمایه فلسفه سیاسی آنها است. چپ دمکراتیک وظیفه‌مند است که در راه تحقق حقوق کامل شهروندی و حضور همه شهروندان ایرانی در ساخت و بافت مدیریت جامعه و برای استقرار یک جمهوری واقعی پارلمانی سهم شایسته خود را ادا کند. از نظر ما نباید قدرت در هیچ زمینه‌ای فراتر از رای و شخصیت آزاد مردم باشد. از آنجا که مردم ما از دوره باستان تا به امروز ناگزیرانه یا به غفلت اسیر «رهبران فرهمند خداگونه» بوده‌اند، باید با همه توان برای جلوگیری از تکرار بازی بی‌اراده «رهبری فرهمند» مذهبی و غیرمذهبی که در تاریخ ایران ریشه دارد، مبارزه کنیم. خطر در شرایط گذار از نظام «ولایت فقیهی» آن است که همانند کشورهای آمریکای لاتین و جمهوری‌های سابق شوروی، «نخبگانی» که به سازمان‌ها و شرکت‌های فراملی چشم دوخته‌اند، جانشین ولایت فقیه شوند. البته چنین بینشی به هیچوجه به معنای از دست دادن لحظه‌ها، فرصت‌ها و فریافت‌های مرحله‌ای نیست. مهم آنست که چپ دمکراتیک ایران با داشتن بینشی راهبردی از ذوب شدن در بازی‌های

سیاسی جناح‌های حکومتی و یا نیروهای متکی بر قدرت‌های بزرگ جهانی بپرهیزد. در همین رابطه ساماندهی فلسفه سیاسی چپ بر اساس مقوله‌های روشن و شفاف و شناخت درست جامعه اساسی‌ترین وظیفه برای برداشتن گام‌های درست است. گرچه این چاره‌اندیشی‌ها پیش از هر چیز در چارچوب ملی صورت می‌گیرد، اما با توجه به روند جهانی شدن که قالب‌های منطقه‌ای بخود می‌گیرد، روشنفکران چپ و مترقی و دمکرات ایرانی می‌توانند با درهم آمیزی روندهای ملی- منطقه‌ای و یافتن راهکارهای کوتاه و بلند مدت در این گستره در جهت‌دهی افکار عمومی در ایران و چیرگی بر تنگ‌نظری‌های محلی - که از سوی جناح‌هایی از حکومت اسلامی و برخی نیروهای خارجی تقویت می‌شود و خطر بالکانیزه شدن ایران را می‌تواند به‌مراه داشته باشد- سهم مهمی ادا کنند. از آنجا که ایران دارای منابع زیرزمینی بسیار غنی و نیروهای انسانی بسیار مستعد است، با تکیه بر پیشینه‌های تاریخی- فرهنگی و سنت‌های دیرپا و مشترک می‌تواند در عرصه منطقه‌ای نقش موتور محرک در جهت دستیابی به صلح و آرامش، رفاه اجتماعی و آزادی و دمکراسی بازی کند. چپ‌گرایان ایرانی با چیرگی بر پراکندگی‌های تاسف‌بار کنونی بدون شک خواهند توانست در گستره برنامه‌ریزی و سامان‌دهی راهکارهای ملی و منطقه‌ای برای دفاع از حقوق زحمتکشان، اجرای عدالت اجتماعی و برقراری نظم دمکراتیک در ایران و منطقه سهمی شایسته برعهده گیرند.

رفقای گرامی!

امیدواریم که گفتگوها و تصمیم‌های این کنگره به سازمان شما توان و نیروی افزونتری در پیشبرد مبارزات دمکراتیک مردم ایران برای تحقق آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی ارزانی دارد.

هیات نگارندگان «نگرش»

شهریور ۱۳۸۲